

۵. هفت گفتار مسیح بر صلیب.

آخرین روز عیسی بر روی زمین

لینک ویدیوی یوتیوب با زیرنویس به ۷۰ زبان: <https://youtu.be/98EY8UNmpmk>

در مطالعه قبلی خود، به بررسی بی‌عدالتی چندین دادرسی غیرقانونی مربوط به عیسی پرداختیم. اگرچه او بی‌گناه اعلام شد، محبت خدا پسر خدا را واداشت تا صلیب خود را به «مکان جمجمه» ببرد. مصلوب شدن مسیح بخشی از نقشه پدر برای برقراری عدالت و نشان دادن رحمت به هر کسی بود که آمرزش گناهان خود را می‌پذیرد. به پارادوکس این ابزار مرگ، صلیب گولگوتا، که عیسی بر آن مرد، توجه کنید. صلیب هم نماد خشونت وحشیانه و رنج عیسی است و هم به چراغی از امید تبدیل شده که برای همه کسانی که به او اعتماد دارند، به روشنی می‌درخشد. مرگ عیسی تلخ و شیرین بود. از آنجا که عیسی انتخاب کرد این جام تلخ رنج را بنوشد، ما هدیه شیرین بخشش خدا را دریافت می‌کنیم. هنگامی که عیسی را تا صلیب دنبال می‌کنیم، می‌بینیم که با هر قدم، او عمق فیض خدا را آشکار می‌سازد:

ویا دولوروسا، راه صلیب

۴ «سرانجام پیلات او را برای مصلوب شدن به آنها سپرد. پس سپاهیان، عیسی را تحویل گرفتند. او صلیب خود را به دوش کشید و به مکانی به نام جمجمه (که به آرامی گولگوتا نامیده می‌شود) بیرون رفت. ۸ در آنجا او را مصلوب کردند و دو نفر دیگر را نیز یکی در هر طرف و عیسی در وسط با او مصلوب کردند. ۹ پیلات لوحه‌ای تهیه کرد و آن را به صلیب نصب کرد. در آن نوشته شده بود: عیسی ناصری، پادشاه یهودیان. ۱۰ بسیاری از یهودیان این لوحه را خواندند، زیرا محل مصلوب شدن عیسی نزدیک شهر بود و لوحه به زبان‌های آرامی، لاتین و یونانی نوشته شده بود. ۱۱ کاهنان ارشد یهود نزد پیلاتس اعتراض کردند: «نویس "پادشاه یهودیان"، بلکه بنویس که این مرد ادعا کرد پادشاه یهودیان است.» ۱۲ پیلاتس پاسخ داد: «آنچه نوشته‌ام، نوشته‌ام.» (یوحنا ۱۹: ۱۶-۲۲).

به محض اینکه پیلاتس حکم محکومیت عیسی را صادر کرد، سربازان رومی او را با خود بردند. به احتمال زیاد، خداوند را به پادگان رومیان بازگرداندند، جایی که احتمالاً یک گروهان چهار نفره از سربازان مأمور مصلوب کردن او شدند. تیر افقی صلیب، یعنی پاتیبولوم، سپس بر شانه‌های او بسته شد و متی نوشت: «او را برای مصلوب کردن بردند» (متی ۲۷: ۳۱). این امر غیرمعمول بود که مردی را به محل مصلوب کردن ببرند، زیرا معمولاً مرد محکوم را با مقاومت شدید به محل مصلوب کردن می‌بردند. با این حال، در مورد عیسی چنین نبود؛ او بار دیگر در حال تحقق بخشیدن به کتاب مقدس بود: «او مانند گوسفندی که به ذبح می‌برند، و مانند بره‌ای که در حضور چاقوگرانش ساکت است، به پیش رفت و دهانش را نگشود» (اشعیا ۵۳: ۷). او مقاومت نکرد، بلکه با کمال میل پیروی نمود.

معمولاً مردی که محکوم به مصلوب شدن بود، از طولانی‌ترین مسیر به مکانی خارج از دیوارهای شهر هدایت می‌شد؛ مکانی که برای اکثر افرادی که از دروازه شهر وارد و خارج می‌شدند، قابل رؤیت بود. پدران کلیسای اولیه معتقد بودند که حمل هیزم توسط اسحاق برای قربانی خود به دست پدرش، ابراهیم (پیدایش ۲۲: ۶)، نمادی از حمل صلیب توسط عیسی بود. هر فردی که با مصلوب شدن روبرو می‌شد، یک گروهان چهار نفره از سربازان، معروف به «کواترنیون»، در دو طرف او مستقر می‌شدند. سرباز رومی ارشد، تابلویی را به نمایش می‌گذاشت که دلیل مصلوب شدن را بیان می‌کرد. این کیفرخواست با هدف القای ترس در خوانندگان بود تا هر کسی پیش از ارتکاب جرمی مشابه، دو بار فکر کند.

رومیان چهار دلیل برای استفاده از مصلوب کردن به عنوان شکل مجازات داشتند: (۱) مرگ آن عذاب‌آور بود، (۲) روند مصلوب کردن کند بود، (۳) می‌توانست به صورت علنی مشاهده شود، و (۴) تحقیرآمیز بود و به عنوان عاملی بازدارنده در برابر جرم و شورش عمل می‌کرد.

پیلاتوس دستور داد تابلویی به زبان‌های آرامی، لاتین و یونانی نوشته شود که روی آن آمده بود: «عیسی ناصری، پادشاه یهودیان». این امر بزرگان یهود را خشمگین کرد و آنها سعی کردند تابلو را تغییر دهند تا روی آن نوشته شود که عیسی ادعا کرده بود پادشاه یهودیان است. پیلاتوس در پاسخ به آنها گفت: «آنچه نوشته‌ام، نوشته‌ام» (یوحنا ۱۹: ۲۲). گویی خدا از طریق پیلاتوس حقیقت را بیان می‌کرد و اجازه نمی‌داد تابلو تغییر کند. «تیتولوس» یا لوحه کوچک که جرم محکوم را اعلام می‌کرد،

بر فراز سر او بر صلیب میخکوب شد. با این حال، عیسی هیچ جرمی مرتکب نشده بود. پیلطس اعلام کرد که هیچ عیبی در مسیح نیافته است و ممکن است این نوشته را به عنوان یک شوخی بی‌رحمانه برای استهزا کردن یهودیان بر صلیب عیسی قرار داده باشد. ما دلیل پیلطس برای باقی گذاشتن لوحه به همان شکلی که نوشته شده بود را نمی‌دانیم، اما اربابی عیسی از روی صلیب اعلام شد.

محل جمجمه

^{۳۳} به مکانی به نام گولگوتا رسیدند (که به معنای «مکان جمجمه» است). ^{۳۴} در آنجا شرابی به او دادند که با زهر آمیخته بود؛ اما پس از چشیدن آن، از نوشیدن آن امتناع کرد (متی ۲۷: ۳۳-۳۴).

مکان مصلوب شدن نیز اهمیت دارد. این مکان خارج از دروازه شهر (عبرانیان ۱۳: ۱۲) و نزدیک جاده‌ای بود که رهگذران از آن عبور می‌کردند. اگر امروز از اورشلیم دیدن کنید، مکان‌های متعددی را خواهید یافت که به عنوان «گولگوتا» یا «کالواری» (به معنای «محل جمجمه») شناخته می‌شوند، مانند کلیسای کاتولیک قبر مقدس و قبر باغی انجیلی، یا کالواری گوردون. شواهدی به نفع هر دو مکان وجود دارد و همچنین نظریه‌هایی برای توضیح اینکه چرا چنین نامی بر آن گذاشته شده است. یکی از افسانه‌ها می‌گوید که جمجمه آدم در آنجا دفن شده بود. دلیل دوم برای در نظر گرفتن کالواری گوردون به عنوان یک مکان احتمالی، شکل تپه مجاور است که شبیه جمجمه است. پیشنهاد دیگر برای نام گولگوتا از اول سموئیل ۱۷: ۵۴ گرفته شده است که می‌گوید داوود سر فلسطینی‌ای را که کشته بود به اورشلیم برد، که این امر برخی را به این باور رسانده است که جمجمه جالوت در گولگوتا دفن شده است.

روش رومیان برای مصلوب کردن اغلب روزها به طول می‌انجامید و اجساد را برای هشدار به دیگران بر روی صلیب رها می‌کردند تا پوسیده شوند. با این حال، کتاب مقدس حکم می‌کرد که کسانی که از درختی آویزان شده‌اند، تا پیش از تاریکی هوا پایین آورده شوند (تثنیه ۲۱: ۲۲-۲۳). به هر دلیلی که این نام هولناک داشته باشد، این مکان متروک، مکانی طردشده در بیرون از جامعه و مخصوص مجازات بود؛ جایی که پادشاه آسمان خود را برای ما فدا کرد (عبرانیان ۱۳: ۱۲-۱۳). شایان ذکر است که کاهن مسح‌شده اسرائیل می‌بایست قربانی گناه و قربانی سوختنی را به طور کامل در بیرون از اردوگاه بسوزاند (لاویان ۴: ۲۱). در اینجا، بار دیگر پیش‌نمایش قربانی کفارهای مسیح را در بیرون دروازه شهر می‌بینیم.

پیشگویی‌های عهد عتیق درباره مصلوب شدن مسیح

پیش از آنکه میخ‌های شش اینچی را در دستان و پاهایش بکوبند، به مسیح چیزی برای نوشیدن دادند. متی ۲۷: ۳۳-۳۴ به ما می‌گوید که به عیسی شراب ترش (سرکه) آمیخته با صفرا، ماده‌ای تلخ، دادند. مرقس به ما می‌گوید که نوشیدنی تلخ، مره بود (مرقس ۱۵: ۲۳)، یک مخدر ملایم. وقتی عیسی آن را چشید، آن را تف کرد. صدها سال پیش از آن، انبیا درباره «بنده رنج‌کشیده» خداوند نوشتند که هر آنچه برای بازگرداندن انسان به هم‌نشینی با خدا لازم است، برآورده خواهد کرد. برخی نویسنده مزمو ۶۹ را پادشاه داوود می‌دانند. نویسنده پیشگویی کرد که به مسیح، شراب ترش (سرکه) آمیخته با صفرا عرضه خواهد شد.

^{۱۹} تو می‌دانی که چگونه مورد تحقیر، بی‌عزتی و شرمندگی قرار گرفته‌ام؛ همه دشمنانم در حضور تو هستند. ^{۲۰} تحقیر قلبم را شکست و مرا ناتوان ساخت؛ در جستجوی همدردی بودم، اما هیچ‌کس نبود، در جستجوی تسلی‌دهنده بودم، اما هیچ‌کس را نیافتم. ^{۲۱} آنها زهر در غذایم ریختند و برای تشنگی‌ام سرکه دادند. (مزمو ۶۹: ۲۱)

هدف مسیح از آمدنش این بود که به جای انسانیت گناهکار بر صلیب بمیرد. او در این زمان سرنوشت‌ساز نمی‌خواست هیچ چیز حواسش را کند کند. مسیح آمد تا مرگ، یعنی مجازات کامل، را برای هر انسان بجشد (عبرانیان ۲: ۹). هنگامی که عیسی مخدر ملایم، مر، را رد کرد (مرقس ۱۵: ۲۳)، آنها او را بر روی پاتیبولوم، تیر افقی صلیب، خواباندند و دستان و پاهایش را با میخ‌های شش اینچی سوراخ کردند. بسیاری از نقاشان کلاسیک معتقد بودند که عیسی از کف دست‌هایش میخکوب شده است، اما اکنون، از طریق گزارش‌های تاریخی رومی، می‌دانیم که میخ‌ها از استخوان‌های کوچک مچ (استخوان رادیوس و اولنا) وارد شده بودند. سپس تاقچه (patibulum) را که عیسی به آن میخکوب شده بود، بلند کرده و در بخش عمودی

مرکزی صلیب قرار می‌دادند. سربازان رومی سپس هر دو پا را روی هم می‌گذاشتند، زانو‌ها را کمی خم می‌کردند و یک میخ را از طریق تاندون‌های آشیل وارد می‌کردند.

شواهد نشان می‌دهد که در برخی موارد از چهار میخ استفاده می‌شد و پاها به‌طور جداگانه به تیر عمودی میخ‌کوب می‌شدند. سپس یک سدوسولا (seducula) - تکه‌ای چوب - زیر پاها قرار می‌دادند تا قربانی بتواند با فشار دردناک پاهایش به پایین، اجازه دهد ریه‌هایش از هوا پر شود. درد غیرقابل تحملی بوده است، زیرا وزن بدن بر میخ‌ها آویزان بوده و میخ‌ها فشار را بر اعصاب میانی وارد می‌کرده‌اند. اجازه دادن به قربانی برای تنفس به این شکل، مرگ را طولانی‌تر می‌کرد.

اکنون، بیابید زمان مرگ او را در نظر بگیریم. مرگ عیسی در طول عید فصح تصادفی نبود. این اندیشه تأثیربرانگیز است که در لحظه مرگ عیسی، چند صد یارد آن‌طرف‌تر در محوطه معبد، بره‌های عید فصح برای صرف شام آن شب توسط بنی‌اسرائیل ذبح می‌شدند. تاریخ‌نویس، یوسفیوس، ثبت کرده است که در سال ۶۶ میلادی بیش از ۲۵۶,۰۰۰ بره برای جشن عید فصح قربانی شدند. برای آماده کردن این تعداد بره، در حالی که بره خدا برای عید فصح حقیقی مصلوب می‌شد، همه کاهنان در کار خود مشغول بودند. بره‌ها کباب می‌شدند و تمام گوشت بره برای هر خانواده در آن شب خورده می‌شد (خروج ۱۲: ۸-۱۰). ما نیز باید بره خدا را در زندگی خود راه دهیم (یوحنا ۱: ۱۲) و به‌طور روحانی از حیات بره خدا بهره‌مند شویم (یوحنا ۶: ۵۳).

داوود پادشاه نیز پیامبری بود که این لحظات را صدها سال پیش از آن در مزمور ۲۲ توصیف کرد. برخی معتقدند که مسیح در هنگام بر صلیب بودن، تمام این مزمور را خواند، و می‌دانیم که بخشی از آن را قرائت کرد. در اینجا گزیده‌هایی از مزمور ۲۲ آورده شده است:

اخدای من، خدای من، چرا مرا را رها کرده‌ای؟ چرا از نجات من، از فریادهای جانسوزم این‌قدر دور هستی؟^۶ اما من کرم هستم نه انسان، مورد تحقیر مردم و نفرت آنان.^۷ همه کسانی که مرا می‌بینند، مرا مسخره می‌کنند؛ با تکان دادن سر، به من طعنه می‌زنند:^۸ «او به خداوند اعتماد کرده است؛ پس خداوند باید او را نجات دهد. او را رهایی بخشد، زیرا در او لذت می‌برد.»^۹ گاوهای نر فراوان مرا محاصره کرده‌اند؛ گاوهای قوی باشان مرا در بر گرفته‌اند.^{۱۰} شیرانی غران که طعمه‌شان را می‌درند، دهان‌هایشان را به روی من باز می‌کنند.^{۱۱} همچون آب ریخته‌ام و تمام استخوان‌هایم از هم جدا شده‌اند. قلبم همچون موم گشته و در درونم ذوب شده است.^{۱۲} قوتم همچون پارچه‌ای سوخته خشکیده و زبانی که کامم چسبیده است؛ تو، مرا در خاک مردگان نهادی.^{۱۳} سگ‌ها مرا محاصره کرده‌اند؛ گروهای از مردان شریر دورم را گرفته‌اند، دست‌ها و پاهایم را سوراخ کرده‌اند.^{۱۴} می‌توانم همه استخوان‌هایم را بشمارم؛ مردم به من خیره شده و به من نیش‌خند می‌زنند.^{۱۵} لباس‌هایم را میان خود تقسیم می‌کنند و برای جامه‌ام قرعه‌کشی می‌کنند (مزمور ۲۲: ۱، ۶-۸، ۱۲-۱۸).

این مزمور نبوی داوود، که هزار سال پیش از مسیح گفته شده است، از چه جهاتی به توصیف مصلوب شدن می‌پردازد؟ چه شباهت‌هایی را متوجه می‌شوید؟

معمول بود که کسانی که به صلیب کشیده می‌شدند برای تشدید حس شرمندگی کاملاً برهنه باشند، اما آداب و رسوم یهودی ممکن است اجازه استفاده از یک شلوارک کوتاه را می‌داد.

^{۱۶} وقتی سربازان عیسی را مصلوب کردند، لباس‌های او را برداشتند و آن را به چهار قسمت تقسیم کردند، یک قسمت برای هر یک از آن‌ها، و لباس زیر او را نیز برداشتند. این لباس یک‌تکه و از بالا تا پایین بدون درز بود.^{۱۷} آن‌ها به یکدیگر گفتند: «بیایید آن را پاره نکنیم.» «بیایید با قرعه‌کشی تعیین کنیم چه کسی آن را به دست آورد.» این اتفاق افتاد تا آنچه در کتاب مقدس آمده است، برآورده شود: «لباس‌هایم را میان خود تقسیم کردند و برای جامه‌ام قرعه‌کشی کردند.» پس سربازان همین کار را کردند.^{۱۸} نزدیک صلیب عیسی، مادرش، خواهر مادرش، مریم همسر کلپاس و مریم مجدلیه ایستاده بودند.^{۱۹} وقتی عیسی مادرش و شاگردی را که دوست داشت نزدیک خود دید، به مادرش گفت: «ای زن، این پسر توست»^{۲۰} و به شاگرد گفت: «این مادر توست.» از آن پس، این شاگرد او را به خانه خود برد.^{۲۱} بعداً، چون دانست که همه چیز به پایان رسیده است و تا کلام کتاب مقدس به انجام برسد، عیسی گفت، «تشنه هستم.»^{۲۲} آن‌جا ظرف سرکه شراب بود، پس اسفنجی را در آن فرو بردند و آن را بر ساقه گیاه اسپرس گذاشتند و به لب‌های عیسی نزدیک کردند.^{۲۳} وقتی آن را نوشید، عیسی گفت: «به اتمام رسید.» و با این سخن، سر خم کرد و روح خود را سپرد (یوحنا ۱۹: ۲۳-۳۰).

چهار سربازی که عیسی را به گولگوتا بردند، اجازه داشتند لباس‌ها و صندل‌های محکومان را برای خود بردارند، اما برای لباس زیر بافتنی، یک‌تکه و بدون درز او، مانند یک بازی تاس، قرعه‌کشی کردند (یوحنا ۱۹: ۲۳). پاره کردن آن هدر دادن بود، بنابراین برایش قرعه‌کشی کردند. این تقسیم لباس‌ها و قرعه‌کشی برای لباس زیر یک‌تکه و بدون درز مسیح دقیقاً همان چیزی بود که داوود صدها سال قبل در موردش پیشگویی کرده بود (مزمور ۲۲: ۱۸). یوحنا بر لباس زیر یک‌تکه و بدون درزی که سربازان برایش قرعه‌کشی کردند، تأکید می‌کند. شاید این لباس، یوحنا را به یاد لباس کاهن اعظم انداخت که آن نیز بدون درز بود. جوسیفس، مورخ آن زمان، لباس کاهن اعظم را این‌گونه توصیف کرد: «اکنون، این لباس از دو تکه تشکیل نشده بود و روی شانه‌ها و پهلوها به هم دوخته نشده بود، بلکه یک لباس بلند بود که چنان بافته شده بود که برای گردن شکافی داشت.» مسیح، کاهن اعظم ما، این لباس زیر یک‌تکه را به جایگاه کفاره پوشید.

هفت سخن مسیح بر صلیب

اکنون بیایید بر هفت گفتار آخر مسیح بر صلیب تأمل کنیم. عیسی در کنار دو نفر دیگر، یکی در هر طرف او، مصلوب شد. او در وسط بود، گویی از میان آن سه بدترین بود. صلیب وسط معمولاً برای سرکرده گروه در نظر گرفته می‌شد. بار دیگر، پیشگویی‌هایی که صدها سال پیش نوشته شده بودند، محقق شدند.

از این رو، من به او سهمی در میان بزرگان خواهم داد و غنیمت‌ها را با قدرتمندان تقسیم خواهد کرد، زیرا جان خود را تا مرگ فدا کرد و در شمار گناهکاران «قرار گرفت». زیرا گناه بسیاری را بر دوش کشید و برای گناهکاران شفاعت کرد (اشعیا ۵۳: ۱۲).

همان‌طور که در پیشگویی فوق آمده است، عیسی در حالی که درد وحشتناکی می‌کشید، برای کسانی که گرد آمده و تماشا می‌کردند، دعا می‌کرد.

سخن اول: «ای پدر، ایشان را ببامرز، زیرا نمی‌دانند چه می‌کنند» (لوقا ۲۳: ۳۴).

چه زیباست رحمت و لطفی که در آن کلمات به ما ارزانی شده است! اگر تا به حال در عشق و شفقت خدا شک کرده‌اید، باید آن کلمات را از بر کنید. بره بی‌گناه خدا گناه ما را در بدن خود برداشت و آن را از میان برد، «و همه خطایای ما را آمرزیده،^{۱۲} اسند بدهی ما را که شامل فرمان‌هایی علیه ما بود و بر ضد ما قرار داشت، باطل کرده و آن را از میان برده و به صلیب می‌خکوب کرده است» (کولسیان ۲: ۱۳-ب-۱۴).

عیسی برای هر نفس با فشار دادن بدنش بر میخ‌های پایش، و استفاده از آن تکه چوب کوچک به عنوان اهرم، مبارزه کرد. هنگامی که خود را بالا می‌کشید، زخم‌های عمیق پشتش با تیرک چوبی ساییده می‌شد. از هر زاویه‌ای، می‌توان درد وارد شده را دید. پشت و بخش اعظم بدنش خون‌آلود است: از سر تاج‌خارآلودش خون می‌چکد؛ از دست‌ها و پاهایش خون جاری است، و به زودی از زخم عمیق پهلوش نیز خون می‌چکد، زمانی که سرباز با نیزه‌اش آن را می‌شکافد (یوحنا ۱۹: ۳۴).

مدت زیادی نگذشت که منتقدانش دور او جمع شدند و نفرین‌ها و تحقیرهای خود را نثارش می‌کردند:

^{۱۹} کسانی که از آن‌جا می‌گذشتند، با تکان دادن سر به او ناسزا می‌گفتند و می‌گفتند: «تو که معبد را خراب می‌کنی و در سه روز باز می‌سازی، خودت را نجات بده! از صلیب پایین بیا، اگر پسر خدا هستی!»^{۲۰} به همین ترتیب، کاهنان ارشد و کاتبان شریعت و بزرگان نیز او را مسخره می‌کردند. ^{۲۱} آنها می‌گفتند: «دیگران را نجات داد، اما نمی‌تواند خودش را نجات دهد! او پادشاه اسرائیل است! حالا از صلیب پایین بیاید تا به او ایمان بیاوریم.»^{۲۲} او به خدا اعتماد دارد. حالا خدا اگر او را می‌خواهد، باید نجاتش دهد، زیرا او گفته است: «من پسر خدا هستم» (متی ۲۷: ۳۹-۴۳).

بار دیگر، این چیزی بود که خدا از طریق پیامبر پادشاه داوود پیشگویی کرده بود: یکی از نوادگان داوود پادشاه خواهد شد اما از سوی دیگران تحقیر و تمسخر خواهد شد. این نوشته‌های پیشگویی‌شده، گواهی بر اصالت کتاب مقدس هستند که صدها سال پیش از وقوعشان پیشگویی شده‌اند، تا هنگامی که این رویدادها رخ داد، بتوانیم حقیقت کتاب مقدس را بشناسیم و ایمان خود را به خدا و مسیح او، عیسی، بیاوریم. اینجا پیشگویی داوود در مورد کسانی که در هنگام رنج‌های مسیح به او استهزا کردند، آمده است:

^{۲۳} همه کسانی که مرا می‌بینند، به ریشخند می‌گیرند؛ با تکان دادن سر، مرا استهزا می‌کنند. ^{۲۴} می‌گویند: «او به خداوند اعتماد کرده است؛ خداوند او را نجات دهد! او را رهایی بخشد، زیرا در او لذت می‌برد.»^{۲۵} گاوهای نر بسیاری مرا محاصره کرده‌اند؛

گاوهای قوی باشند مرا در بر گرفته‌اند.^{۱۳} شیرهای غرنده که طعمه‌شان را پاره‌پاره می‌کنند، دهان خود را به روی من باز کرده‌اند.^{۱۴} سگ‌ها مرا محاصره کرده‌اند، دسته‌ای از شیران مرا در بر گرفته‌اند؛ آنها دست‌ها و پاهایم را می‌سوزانند (مزمور ۲۲: ۷-۸؛ ۱۲-۱۳؛ ۱۶).

سخن دوم: «به راستی به تو می‌گویم، امروز با من در بهشت خواهی بود.» یکی از دو دزد که با او مصلوب شده بودند، به او ناسزا گفت، در حالی که دیگری توبه کرده بود:

^{۳۹} یکی از جنایتکارانی که آنجا آویزان بود، به او ناسزا گفت: «مگر تو مسیح نیستی؟ خودت را و ما را نجات بده!»^{۴۰} اما جنایتکار دیگر او را سرزنش کرد و گفت: «آیا از خدا نمی‌ترسی، در حالی که خودت هم در همین حکم شریک هستی؟^{۴۱} ما عذاب خود را به حق می‌کشیم، زیرا مطابق اعمالمان مجازات می‌شویم. اما این مرد هیچ کار بدی نکرده است.»^{۴۲} سپس گفت: «عیسی، وقتی به پادشاهی ات آمدی، به یاد من باش.»^{۴۳} عیسی به او پاسخ داد: «راست می‌گویم، امروز با من در بهشت خواهی بود.» (لوقا ۲۳: ۳۹-۴۳).

عیسی به آن جنایتکار گفت که همان روز با او در بهشت خواهد بود. به نظر شما این مرد بر چه اساسی به بهشت می‌رود؟ فکر می‌کنید این جنایتکار چه چیزی در عیسی دید که او را متقاعد کرد که او واقعا مسیح است؟

زندگی خداوند عیسی باعث ایجاد تفرقه در بشریت می‌شود: «هر که با من نیست، بر من است، و هر که با من جمع نمی‌کند، پراکنده می‌سازد» (متی ۱۲: ۳۰). هر یک از ما مانند یکی از آن‌هاست. همه ما باید در هنگام مرگمان انتخاب کنیم که شبیه کدام یک از آن‌ها باشیم. برخی در مرگ مسیح هیچ ارزشی نخواهند دید و در گناهان خود خواهند مرد، در حالی که دیگران در آن روز، کار رستگاری‌بخش مسیح را به رسمیت خواهند شناخت و آن را رنجی خواهند پذیرفت که برای ایشان برده شده است. ما نمی‌توانیم از صلیب فرار کنیم. همه ما باید انتخاب کنیم که در گناه ادامه دهیم یا ایمان آوریم و اعتماد خود را بر کار کفاره‌ای مسیح برای ما و به جای ما بگذاریم. عیسی به دزد توبه‌کار گفت که همان روز با او در بهشت خواهد بود. بسیاری نمی‌توانند چنین فیضی را که به دزد توبه‌کار داده شد درک کنند، زیرا او هرگز فرصت انجام هیچ عمل نیکی را نداشت و غسل تعمید نیز نگرفته بود، اما مسیح فرمود که ایمان او به عیسی در آن روز کافی بود. می‌خواهم به شما یادآوری کنم که نجات به عنوان هدیه‌ای به مؤمن عطا می‌شود، نه به واسطه هیچ یک از اعمال شایسته‌ای که انجام داده‌ایم (تیطوس ۳: ۵، افسسیان ۲: ۸-۹). اگر هرگز به سوی خدای تمام فیض دست دراز نکرده‌اید، پس امروز برای دریافت همان هدیه الهی به سوی او فریاد برآورید.

سومین سخن: در میان نفس‌های دردناک، عیسی همچنان به عزیزانش رسیدگی می‌کرد.

او به مادرش گفت: «زن، اینک پسر توست!» سپس به شاگرد گفت: «اینک مادرت!» (یوحنا ۱۹: ۲۶-۲۷).

از حضور شوهر مریم، یوسف، در دوران خدمت عیسی خبری نداریم. می‌توانیم فرض کنیم که او در مقطعی از دنیا رفته است. مراقبت از مریم مسئولیت عیسی بود، زیرا او فرزند اول خانواده بود. او از شاگرد محبوبش، یوحنا، خواست تا از مادرش مراقبت کند و او را به کسی سپرد که می‌دانست بیش از همه می‌تواند به او اعتماد کند. حتی در لحظات عذاب و نبرد روحانی شدید، عیسی نگران آنچه در انتظار کسانی بود که برای او ماتم خواهند گرفت، بود و این جزئیات بسیار عملی را فراموش نکرد. خداوند پس از رفتن خود، آنها را برای تسلی یکدیگر سپرد.

روایت یوحنا به این موضوع اشاره‌ای ندارد، اما متی از تاریکی غیر معمولی سخن می‌گوید که به مدت سه ساعت زمین را فرا گرفت: «از ساعت ششم تا ساعت نهم، تاریکی سراسر آن سرزمین را فرا گرفت» (متی ۲۷: ۴۵). این تاریکی ناشی از کسوف نبود، زیرا کسوف نمی‌تواند بیش از هفت دقیقه و نیم طول بکشد، در حالی که این تاریکی به مدت سه ساعت ادامه داشت.

پیامبر mos نیز در مورد این دوره تاریکی پیشگویی کرده است.

در آن روز، می‌گوید خداوند متعال، من خورشید را در نیمروز غروب خواهم داد و زمین را در روز روشن تاریک خواهم ساخت (اموص ۸: ۹).

سخن چهارم: سپس عیسی در حالی که بر صلیب بود، چهارمین سخن خود را فریاد زد: «خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کردی؟» (مرقس ۱۵: ۳۴).

چرا مسیح احساس می‌کرد که از سوی خدا رها شده است؟

پولس به کلیسا در کورینت نوشت: «او کسی را که گناه نمی‌شناخت، به خاطر ما گناه قرار داد تا ما در او به عدالت خدا تبدیل شویم» (دوم قرنتیان ۵:۲۱). آنجا، بر روی صلیب، عیسی زیر بار گناه جهان قرار گرفت. او باربر گناه برای تمام بشریت شد. کتاب مقدس به ما می‌گوید که خدا چنان پاک است که نمی‌تواند به شرارت بنگرند (حقوق ۱:۱۳). پدر نگاه خود را از پسر برگرداند زیرا عیسی گناه ما را به دوش کشید. این لحظه‌ی روی‌گردانی دردناک‌ترین بخش مصلوب شدن بود. توماس دیویس، یک پزشک، اثرات مصلوب شدن بر بدن را مورد تحقیق قرار داده است.

با خسته شدن بازوها، امواج عظیمی از گرفتگی بر عضلات می‌تازد و آن‌ها را در رنجی عمیق، بی‌امان و تپنده گره می‌زند. با این گرفتگی‌ها، توانایی بالا کشیدن خود از بین می‌رود. بدن که به بازوهایش آویزان است، عضلات سینه فلج شده و عضلات بین دنده‌ای قادر به عمل نیستند. هوا می‌تواند به داخل ریه‌ها کشیده شود، اما نمی‌توان آن را بازدم کرد. عیسی برای بالا کشیدن خود و گرفتن حتی یک نفس کوتاه می‌جنگد. سرانجام، دی‌اکسید کربن در ریه‌ها و جریان خون انباشته می‌شود و گرفتگی‌ها تا حدی فروکش می‌کنند. او به طور اسپاسم‌گونه خود را به سمت بالا هل می‌داد تا نفس بیرون دهد و اکسیژن حیات‌بخش را وارد کند... ساعت‌ها از این درد بی‌پایان، چرخه‌هایی از گرفتگی‌های پیچشی و درنده‌ی مفاصل، خفگی جزئی و متناوب، درد سوزاننده از پارگی بافت‌های پشتش که از حرکت روی چوب زبر بالا و پایین می‌آمد. سپس، عذاب دیگری آغاز می‌شود. دردی عمیق و خردکننده در قفسه سینه، در حالی که کیسه قلب به آرامی از مایع پر می‌شود و شروع به فشردن قلب می‌کند. اکنون تقریباً پایان کار است—از دست رفتن مایعات بافتی به سطح بحرانی رسیده است—قلب فشرده شده در تلاش است تا خون سنگین، غلیظ و کند را به بافت‌ها پمپاژ کند—ریه‌های عذاب‌دیده در تلاشی دیوانه‌وار برای مکیدن تکه تکه نفس‌های کوتاه هوا می‌کوشند. بافت‌های به شدت کم‌آب، سیل محرک‌های خود را به مغز می‌فرستند.^۱

سخن پنجم: سپس عیسی سخن پنجم را گفت: «تشنه هستم» (یوحنا ۱۹:۲۸). این سخن نیز توسط داوود پادشاه پیشگویی شده بود که می‌گوید: «قوم من مانند کوره سفال خشکیده و زبانم به کامم چسبیده است» (مزمور ۲۲:۱۵). یوحنا ثبت می‌کند که یکی از سربازان رومی اسفنجی را بر ساقه گیاهی به نام اسوپ آورد.

آنجا یک ظرف سرکه شراب بود، پس اسفنجی را در آن فرو بردند، آن را بر ساقه گیاهی به نام اسوپخودوس آویزان کردند و به لب‌های عیسی نزدیک کردند (یوحنا ۱۹:۲۹).

چرا یوحنا به گیاه عسلی اشاره می‌کند؟ در نوشته‌های یوحنا، جزئیات کوچک همیشه اهمیت دارند. هنگامی که بنی‌اسرائیل در مصر به اسارت فرعون درآمده بودند، وسیله‌ی رهایی آنها خون یک بره پاک و بی‌عیب بود. این خون باید ریخته شده و در حوضچه‌ی زیر آستانه قرار می‌گرفت. سپس آنها یک دسته یسپ می‌گرفتند، آن را در خون حوضچه فرو می‌بردند و آن را بر تیرک در و دو طرف آن می‌مالیدند و صلیبی شکل می‌ساختند.

فوراً بروید و برای خانواده‌هایتان حیوانات را انتخاب کنید و بره‌ی فطیر را ذبح کنید.^{۲۲} دسته‌ای از گیاه هیسوپ بردارید، آن را در خون ظرف فرو ببرید و مقداری از آن را بر بالای چهارچوب در و دو طرف آن بمالید. هیچ‌یک از شما تا صبح از در خانه‌تان بیرون نروید.^{۲۳} وقتی خداوند برای هلاک کردن مصریان از سرزمین عبور می‌کند، خون را بر فراز و دو طرف چهارچوب در خواهد دید و از آن چهارچوب در عبور خواهد کرد و اجازه نخواهد داد که هلاک‌کننده وارد خانه‌های شما شود و شما را هلاک سازد (خروج ۱۲: ۲۱-۲۳).

هنگامی که خدا خون را دید، از آن خانواده محافظت کرد و اجازه نداد فرشته ویرانگر وارد خانه شود (اشعیا ۵:۳۱). به همین ترتیب، ما معتقدیم که خون عهد جدید (ارمیا ۳۱:۳۱) بر زندگی روحانی ما نیز اعمال می‌شود و اکنون ما متعلق به خداوند هستیم و کاملاً از شیطان (فرعون) و جهان (مصر) رهایی یافته‌ایم.

سخن ششم: «به اتمام رسید!» (یوحنا ۱۹:۳۰).

شما فکر می‌کنید منظور عیسی از این سخنان که «به انجام رسید» چه بود؟

هنگامی که عیسی احساس کرد زمان فرا رسیده است، سه انجیل هم‌نوا (متی، مرقس و لوقا) به ما می‌گویند که عیسی با صدای بلند فریاد زد، اما فریاد مسیح را فاش نمی‌کنند. تنها یوحنا یک واژه یونانی به نام «تئلسائی» را در اختیار ما قرار می‌دهد. این واژه که در بسیاری

^۱ «مصلوب شدن عیسی: رنج مسیح از دیدگاه پزشکی»، مجله آریزونا مدیسن، جلد ۲۲، شماره ۳ (مارس ۱۹۶۵)، صص. ۱۸۳-۱۸۷.

از ترجمه‌های انگلیسی به «تمام شد» ترجمه شده است، نه بیان خستگی، بلکه فریاد پیروزی باشکوهی است. عیسی یک بار دیگر خود را بالا کشید، ریه‌هایش را پر کرد و با صدای بلند طوری که تمام دنیا بشنود، اعلام کرد: «به اتمام رسید!» «تتلتستای» اصطلاحی بود که در حسابداری یونانی باستان استفاده می‌شد. وقتی بدهی کسی پرداخت می‌شد، می‌گفتند تتلتستای. این به معنای پایان دادن، تکمیل کردن یا به انجام رساندن چیزی است؛ نه فقط پایان دادن، بلکه رساندن آن به کمال یا هدف مورد نظر. این واژه همچنین به معنای پرداخت کامل، مانند مالیات یا باج است. این فریاد، فریاد پیروزی بود! این نشان می‌داد که کار به انجام رسیده، به طور کامل پرداخت شده و دیگر هیچ بدهی برای قوم خدا باقی نمانده است. آنها آزاد شده‌اند! جای تعجب نیست که مسیح فریاد زد؛ او می‌خواست جهان بداند که بدهی گناه پرداخت شده است. داوری و عدالت خدا کفاره شده، جبران و آشتی صورت گرفته است.

سخن هفتم: در حالی که این فریاد هنوز در گولگوتا طنین‌انداز بود، آخرین سخنان او، سخن هفتم از روی صلیب، بیان شد: «ای پدر، روح خود را به دستان تو می‌سپارم!» (لوقا ۲۳: ۴۶). با این سخن آخر، عیسی روح خود را تسلیم کرد.

پس از آنکه این سخنان را بر زبان آورد، بدن مسیح بی‌جان شد. سرش به عقب افتاد و روحش را سپرد. حتی صدافرمزمن سنگدل نیز، با دیدن مرگ مسیح، قانع شد و گفت: «به راستی این پسر خدا بود!» (متی ۲۷: ۵۴). هنگامی که مسیح روح خود را تسلیم کرد، سه نشانه ماوراءالطبیعی رخ داد.

سه رویداد ماوراءالطبیعی که در هنگام مرگ عیسی رخ داد

اولین رویداد ماوراءالطبیعی این بود که از ساعت ششم تا نهم، تاریکی سراسر سرزمین را فرا گرفت (متی ۲۷: ۴۵). عید فصح همیشه در ماه کامل رخ می‌داد، که این امر وقوع کسوف را در این زمان منتفی می‌کند. حتی اگر ممکن هم بود، کسوف نمی‌تواند سه ساعت به طول انجامد. این تاریک شدن خورشید نشانه‌ای از قضاوت و ناخشنودی الهی در مورد آنچه در کالواری رخ داد، بود. عیسی در طول آن سه ساعت سرنوشت‌ساز، خشم خدا را برای گناه بر دوش کشید. به همین دلیل بود که عیسی گفت: «**خدای من، خدای من، چرا مرا رها کردی؟**» برخی مفسران می‌گویند که تاریک شدن خورشید به عنوان حجابی فرستاده شد تا برهنگی و رنج‌های مسیح را ببوشاند.

رویداد ماوراءالطبیعی دوم، زلزله عظیمی بود که قبرها شکافته شد و مردگان زنده شدند:

^۱در آن لحظه پرده معبد از بالا تا پایین به دو نیم شد. زمین لرزید و صخره‌ها شکافتند و^۲ قبرها شکافته شدند. بدن بسیاری از مقدسین که مرده بودند زنده شد.^۳ آنها پس از رستاخیز عیسی از قبرها بیرون آمدند و وارد شهر مقدس شدند و به بسیاری از مردم ظاهر گشتند (متی ۲۷: ۵۱-۵۳).

رویداد ماوراءالطبیعی سوم در معبد رخ داد. درست در لحظه‌ای که مسیح جان داد، پرده معبد که خدا را از انسان جدا می‌کرد، از بالا تا پایین دریده شد و نشانه‌ای از آسمان بود. جای تعجب نیست که بسیاری از کاهنان ایمان آوردند (اعمال رسولان ۶: ۷). وقتی کاهنان در ساعت ۳ بعد از ظهر، زمان سنتی قربانی کردن بره‌ها برای عید فصح در کالوری، از آنچه رخ داده بود مطلع شدند، بسیاری از آنها ایمان آوردند و ایمان خود را به مسیح سپردند.

در حالی که هزاران نفر در صحن‌های معبد برای ذبح آیینی بره‌های عید فصح گرد آمده بودند، کسانی که در معبد خدمت می‌کردند هنگامی که دست‌های نامرئی پرده معبد—پارچه‌ای به ضخامت دست انسان—را درست در مقابل چشمانشان پاره کردند، شوکه شدند. خدا آن پرده را پاره کرد تا به ما نشان دهد که راه ورود به حضور او برای همه باز است. عیسی مانعی را که خدا را از بشریت جدا می‌کرد، از میان برداشته است. گناه ما را از لذت بردن از رابطه با خدا باز می‌داشت، و عیسی مجازات گناه شما و من را پرداخت کرد. «کالواری نشان می‌دهد که انسان در گناه تا کجا پیش خواهد رفت، و خدا برای نجات بشر تا کجا پیش خواهد رفت» (اچ. سی. ترامبول).²

امروز می‌خواهم از شما بپرسم، بدهی شما چقدر سنگین است؟ آیا شما را به زحمت انداخته است؟ مسیح بدهی شما را پرداخته است، اما تا زمانی که این بخشش را نپذیرید و قبول نکنید، در گناه خود باقی می‌مانید و باری را به دوش می‌کشید که او برای برداشتن آن از شما جان داد.

² گردآوری شده توسط جان بلانچارد، گنجینه طلایی، گنجینه‌ای از نقل‌قول‌ها برای مسیحیان، چاپ انتشارات انجیلی، ولوین، هرتفوردشر، ۱۹۸۴. صفحه ۵۸.

در سال ۱۸۲۹، مردی اهل فیلادلفیا به نام جورج ویلسون از سرویس پستی ایالات متحده سرقت کرد و در این حین کسی را نیز گشت. ویلسون دستگیر، محاکمه و به جرمش محکوم شد و حکم اعدام برای او صادر گردید. برخی از دوستانش به نفع او مداخله کردند و در نهایت از رئیس‌جمهور اندرو جکسون عفو گرفتند. با این حال، وقتی این خبر به جورج ویلسون اطلاع داده شد، او از پذیرفتن این عفو خودداری کرد! کلانتر در اجرای حکم مردد بود—چگونه می‌توانست مردی را که مورد عفو قرار گرفته بود، دار بزند؟ به رئیس‌جمهور جکسون درخواست تجدیدنظر داده شد. رئیس‌جمهور سردرگم برای حل این مسئله به دیوان عالی ایالات متحده مراجعه کرد. قاضی ارشد مارشال اعلام کرد که عفو صرفاً یک تکه کاغذ است که ارزش آن به پذیرش دریافت‌کننده آن بستگی دارد. بعید است کسی که با مجازات اعدام روبروست، عفو را رد کند، اما اگر رد شود، معتبر نخواهد بود. جورج ویلسون باید اعدام شود. در نتیجه، جورج ویلسون اعدام شد، هرچند حکم عفو او روی میز کلانتر قرار داشت. شما با عفو کامل که توسط قاضی ارشد—خدای جهان—به شما پیشنهاد شده است، چه خواهید کرد؟³

مایلم این داستان را با تأملی بر آنچه هنگام قرعه‌کشی سربازان برای لباس‌های مسیح رخ داد، به پایان برسانم. به این موضوع ببینید: این مردان بی‌تفاوت بودند در حالی که عیسی برای آن‌ها در عذاب می‌مرد. آن‌ها مشغول بازی بودند و هیچ نگرانی‌ای برای رنج او نشان ندادند. این روز برایشان یک روز عادی بود. آن‌ها نمی‌دانستند که سرنوشت ابدی‌شان به این عمل عشق فداکارانه بستگی دارد. این صحنه بی‌تفاوتی جهان نسبت به مسیح را به تصویر می‌کشد. آنها طوری بازی می‌کردند که گویی این موضوع اهمیتی ندارد. هر کاری که در مورد قربانی مسیح انجام می‌دهید، به یاد داشته باشید که این موضوع مستلزم یک پاسخ است. شما با این هدیه، این قربانی، چه خواهید کرد؟ آیا مانند جورج ویلسون، آن را روی میز رها خواهید کرد؟ اگر می‌خواهید آمرزش گناهان خود را از خدا دریافت کنید، این دعای زیر را بخوانید.

دعا: ای پدر، از محبت و رحمت بزرگت سپاسگزارم، محبتی که در عیسی مسیح و قربانی بزرگ او برای من آشکار ساختی. مرا از گناه پاک ساز و نو کن. زندگی خود را به تو می‌سپارم و آرزو دارم از قید و بندهای روحانی که مرا بسته است، آزاد شوم. آمین!

کیت توماس

www.groupbiblestudy.com

فیسبوک: keith.thomas.549

ایمیل: keiththomas@groupbiblestudy.com

یوتیوب: <https://www.youtube.com/@keiththomas7/videos>